

اضمحلال امپراطوری ترکیه

حضرت ولی امرالله

ترجمه شده



اضمحلال امپراطوری ترکیه

از زمانی که حضرت بهاءالله در اسلامبول محبوس بود و یکی از مامورین دولت ترکیه لوحی را که خطاب بسطان عبدالعزیز و وزرایش بود داد که بعالی پاشا صدر اعظم آن مملکت رساند نهضت آشوب آمیزی پدید آمد که یکی از حرکات برجسته تاریخ جدید بشمار میرود . بقرار اظهار آن مامور و بطوریکه نبیل در تاریخ خود ذکر کرده آن لوح چنان تاثیر عمیقی بوزیر بخشید که در موقع قرائت آن رنگش پرید . این نهضت پس از نزول لوح رئیس که روز بعد از نفی آخری منزل آن از ادرنه بعکا واقع شد تقویت یافت . نهضت مزبور با ویرانی و استمرار وحدت و شدت روز افزون توام و در ضمن ظهور آثار شوم خود بحیثیت امپراطوری ضرر و زیان رسانیده اراضی آن را تجزیه و سلاطین آنرا معزول و سلسله آنها را منقرض و خلفای آنرا پست و سرنگون کرد . ارکان دیانت را متزلزل و جلال و شکوه آنرا معدوم نمود . آن عضو مریض اروپا که طیب حاذق ملکوتی حالت آن را بخوبی تشخیص داده و فنایش را حتمی الوقوع خبر داده در دوره سلطنت متوالی پنج سلطان که همه فاسد بوده و معزول گردیدند بیک سلسله تشنجاتی مبتلا شد که عاقبت الامر منجر بمرگ آن گردید . امپراطوری ترکیه که در دوره سلطنت عبدالحمید در اتفاق ملل اروپا پذیرفته شده بود و در جنگ کریمه فاتح گردیده در زمان عبدالعزیز بچنان انحطاط سریعی گرفتار شد که پس از صعود حضرت عبدالهبا بمنتهای درجه رسیده و بانقراضی که قضای الهی حکم آنرا صادر نموده بود منتهی گردید .

اغتشاشات جزیره کرت و بالکان از مشخصات دوره سلطنت این سلطان بود که سی و دومین سلطان آن سلسله و شخصی جابر و تهی مغز و بحد افراط بی باک بود و در اسراف و تبذیر حد و حصری نمیشناخت . در آن هنگام مسئله مشرق زمین بمرحله بحران آمیزی داخل شد . خبط و خطاهای بزرگی که در دوره حکومتش از او سرزد باعث قیام نهضتهای گردید که بعدا اثرات وسیعه در قلمرو سلطنت وی بخشید و از طرف دیگر استقراضهای هنگفت و دائمی وی دولت را تقریباً بحال ورشکستگی انداخته و منجر باستقرار اصول نظارت خارجی بر منابع ثروت امپراطوری گردید . توطئه که موجب بروز انقلاب در قصر او گردید . بالاخره خود او را از تخت بزر آورده و فتوای مفتی عدم لیاقت و ولخرجی وی را تقبیح کرد . چهار روز بعد کشته شد و مراد پنجم برادرزاده اش که بر اثر افراط شرب مسکرات و اعمال زشت و ماندن طولانی در قفس حبس عقل و درایتش زائل شده بود بجانشینی او منصوب گردید پس از سه ماه سلطنت حماقت او اعلان و از سلطنت معزول گردیده و عبدالحمید دوم که پادشاهی محیل و ظنین و ظالم و بقول مورخینی " بعدا ثابت شد



TRANSLATION



AUDIO

که پست ترین و خیانتکارترین و دسیسه باز ترین سلاطین سلسله طولانی آل عثمان بود “ بجانشینی او انتخاب کردند درباره وی چنین نوشته اند:

” کسی نمیدانست که هر روزی نصاب چه شخصی در وی موثر واقع شده و بر رای وزرای صوری ترجیح داده میشد یا حرف یکی از زنان حرمسرا یا یکی از خواجگان و یا یک درویش متعصب یا یک منجم و یا یک جاسوس در او اثر میکرد ” شقاوتش در بلغارها که در اروپا حس وحشتی تولید کرد منادی سلطنت سیاه این ” قاتل بزرگ “ بود و گلاستون (Gladstone) آن قضایا را پست ترین و شنیع ترین فجایع تاریخی قرن نوزدهم بشمار آورده است . جنگ ۸ - ۱۸۷۷ جریان انقراض آن امپراطوری را تسریع کرد و در نتیجه این انحلال در حدود یازده میلیون نفوس از تحت تبعیت عثمانیان رهائی یافتند. قشون روسیه ادرنه را اشغال کرد و صربستان و متنگرو و رومانی استقلال خود را اعلان نمودند بلغارستان حق حکمرانی بدست آورد و فقط باجی بسطان میپرداخت . قبرس و مصر اشغال شد. فرانسه تونس را تحت انجایه خویش قرار داد رومیلی شرقی بلغارستان واگذار شد. قتل عام ارامنه که بطور مستقیم یکصد هزار نفوس را شامل شد مقدمه خونریزیهای شدیدتری گردید. ایالات بوسنی و هرزگوین بدست اطریش افتاد و بلغارستان استقلال خویش را باز یافت نفرت و انزجار عمومی از طرف اتباع مسلمان و مسیحی نسبت بان سلطان پست فطرت منتهی بانقلاب سریع و بی نهایت شدیدی گردید کمیته جوانان ترک از شیخ الاسلام فتوای محکومیت پادشاه را گرفت و عاقبت بی یار و یاور مطعون ملت و منفور سران حکومت مجبور به استعفا گردیده و محبوس دولت شد و باین طریق بسلطنتی که از لحاظ از دست دادن اراضی و مقدمات از دست رفتن قرب الوقوع اراضی دیگری شئامت بار و از جهت اختلال امور ملت از بیست و سه نفر اسلاف فاسد خود را از زمان فوت سلیمان کبیر شدیدتر بود ” خاتمه داد.“ خاتمه این سلطنت شرم آور صرفاً مقدمه دوره جدیدی بود که هر چند در ابتدا مورد استقبال واقع شد مقدر چنان بود که شاهد اضمحلال دولت متزلزل و فاسد عثمانی گردد.

سلطان محمد خامس یکی از برادران عبدالحمید دوم که وجودش در حکم عدم بود نتوانست اوضاع پریشان ملت خود را بهبودی بخشد و حماقتی که در دولت او صورت گرفت عاقبت حکم زوال امپراطور را قطعی ساخت . جنگ ۱۸ - ۱۹۱۴ فرصت مناسبی بوجود آورد و شکستهای نظامی عوامل هدم بنیان آن امپراطور را تشدید کرد . در حین جنگ عصیان شریف مکه و طغیان بعضی کشورهای عربی از تقدیر سرنوشتی تحت سلطنت ترکیه حکایت میکرد . فرار عجولانه و انعدام کامل قشون جمال پاشا فرمانده کل نیروی سوریه که سوگند یاد کرده بود پس از مراجعت مظفرانه از مصر روضه مبارکه حضرت بهاءالله را با خاک یکسان کرده و مرکز عهدش را در یکی از میدانهای اسلامبول در ملأ عام بدارآورد - علامت انتقام شدیدی بود که بایستی امپراطوری پریشان و مضطر را فرا گیرد . نه عشر قشون عظیم ترک از بین رفت و ربع سکنه آن در نتیجه جنگ و ناخوشی و قحطی و قتل تلف شد.

در اینوقت سلطان محمد ششم که بیست و پنجمین و آخرین سلطان فاسد آن سلسله بود جانشین برادر بدبخت خود گردید . بنیان امپراطوری در این هنگام متزلزل و در حال فرو ریختن بود مصطفی کمال آخرین ضربات جانگداز را بر آن وارد ساخت و ترکیه که بصورت یک کشور آسیائی کوچک در آمده بود بحکومت جمهوری تبدیل گردید . سلطان معزول و سلطنت عثمانی منقرض شد و سلسله که شش قرن و نیم بلا انقطاع حکومت کرده بود منقرض گردید . امپراطوریکه از مرکز هنگری تا خلیج فارس و سودان و از بحر خزر تا اوران در افریقا توسعه داشت اکنون بیک جمهوری کوچک

آسیائی مبدل شده . اسلامبول که پس از سقوط دولت روم شرقی افتخار مرکزیت پر حشمت و جلال امپراطوری را داشته و بعد پایتخت دولت عثمانی شده بود از طرف فاتحین خود متروک شده و از جاه و جلال محروم و بصورت یک یادگار صامت آن مظالمی که مدت مدیدی تخت عثمانیان را لکه دار کرده بود درآمد.

بالجمله آثار سیاط مجازاتی که بمقتضای عدالت با اینهمه فلاکت و مصیبت بر عبدالعزیز و جانشینانش و تخت و تاج و سلسه پادشاهی او وارد آمد چنین بود . حال ببینیم بر ناصرالدین شاه خصم لدود دیگر و شریک توطئه که میخواست نهال نو شکفته آئین الهی را از بیخ و بن بر اندازد چه وارد شد . بر خورد او با پیام الهی که توسط بدیع شجاع ” نغزالشهدا “ که حیات خود را بطیب خاطر وقف این منظور نمود برای او فرستاده شد نمونه و شاهد لهیب عناد تسکین ناپذیری بود که در تمام دوره سلطنت در سینه اش با کمال حدت شعله ور بود.